



اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

TEHRAN CHAMBER OF COMMERCE,
INDUSTRIES, MINES AND AGRICULTURE

نکاتی از گزارش صندوق بین المللی پول در خصوص نقش تجارت در رشد اقتصادی جهان

معاونت بررسی های اقتصادی

مرکز گردآوری و تحلیل آمار

اردیبهشت ۱۳۹۴

مقدمه

با هدف ارزیابی فعالیت های صندوق بین المللی پول در زمینه تجارت، هر پنج سال یک بار گزارشی از سوی صندوق ارائه می شود. در این مقاله علاوه بر بررسی نتایج مطالعات گذشته، موضوعات کلیدی لازم برای بهبود تجارت مورد بحث و بررسی قرار گرفته و یک برنامه کاری برای پنج سال آینده نیز ارائه می شود. نتایج بررسی ها حاکی از نیاز به عملیاتی کردن مفاهیم و چشم انداز در حال تغییر تجارت (مشمول بر تغییر عوامل تعیین کننده و تاثیر گذار بر تجارت - مانند زنجیره ارزش جهانی - و تغییر تکیه گاه سیاست های تجاری از توافقات تجاری چند جانبه به سیاست های تجاری منطقه ای و چند کشوری^۱) است.

رشد تجارت جهانی کاهش یافته است زیرا مزایای ناشی از اصلاحات گذشته و گرایش های توسعه تجارت به مرحله بلوغ خود رسیده است و زمینه ای برای اصلاحات جدید متصور نیست. در چند دهه گذشته، تجارت با سرعتی بیش از رشد GDP جهانی رشد کرد و از طریق فراهم آوردن شرایط تکامل و ایجاد تخصص برای کشورها، به رشد و بهره وری بیشتر کمک کرد. اما در چند سال گذشته با کم رنگ شدن مومنتوم رشد اقتصادی، تجارت جهانی نیز کند شده است و زنجیره های ارزش جهانی در برخی از مناطق جهان کامل شده است.

تجارت یکی از عناصر اصلی سیاست های جهانی برای تقویت رشد اقتصادی است. در شرایط تشدید ریسک های مرتبط با رشد جهانی و نگرانی های مربوط به «رشد اقتصادی اندک^۲»، مومنتوم جدیدی در سیاست ها مورد نیاز است. اصلاحات تجاری در سطح جهانی و یا در سطح یک کشور می تواند منافع حاصل از سایر اصلاحات ساختاری را تکمیل و تقویت کند. اصلاحات، عنصر اصلی و عمده در سرمایه گذاری های زیربنایی است. این اصلاحات کشورها را قادر می سازد تا در زنجیره های ارزش جهانی شرکت داشته باشند.

^۱ ترجمه کلمه (Plurilateral) می باشد. در اقتصاد و حقوق، مذاکرات و موافقتنامه ها می توانند به این شکل انجام شوند. در این حوزه ها، مذاکره یا توافقی است که میان بیش از دو کشور انجام می شود اما تعداد این کشورها چندان نیست. در حقیقت، مذاکره جمعی میان گروه کوچکی از کشورها صورت می پذیرد. در صورتی که مذاکره یا توافق میان تعداد زیادی از کشورها باشد برای نامیدن آن از اصطلاح (Multilateral) استفاده می گردد.

^۲ - (میانه جدید) new mediocre اصطلاحی که اولین بار توسط کریستین لاگارد از صندوق بین المللی پول مطرح شد و اشاره به رشد اندک اقتصاد جهانی برای یک دوره طولانی دارد.

دستاوردهای بالقوه مهمی از یکپارچگی تجاری بیشتر و توسعه زنجیره های عرضه جهانی ایجاد می شود. این دستاوردها از:

- آزادسازی سنتی در تعداد زیادی از کشورها (به خصوص کشورهای کم درآمد و اقتصادهای بازار نوظهور که به طور متوسط تعرفه های اعمالی و تثبیت شده آنها در حدود ۵ برابر کشورهای توسعه یافته است)
- و کاهش موانع در سیاست های تجاری جدید (خدمات، مقررات، سرمایه گذاری) در برخی بخش ها (مانند کشاورزی)
- و توسعه بیشتر زنجیره های عرضه جهانی (به خصوص برای مناطق و کشورهایی که در گذشته این فرصتها را از دست داده اند)

ایجاد می شود.

توسعه یکپارچگی تجارت جهانی نیاز به ساختار اقتصادی باز دارد تا شرایط را برای تلاش های تجاری ترجیحی و چند جانبه از حیث تنوع بخشی در مولفه های عمق، سرعت و انسجام، تامین نماید. به سرانجام رسیدن موافقتنامه بالی ۱ خوشحال کننده است اما موانع قبلی مانند آنچه که مانع از پیشرفت در دور دوحه شد بر نیاز به لزوم حفاظت از حاکمیت سیستم تجاری چندجانبه تأکید دارد. با اهرم تغییر جهت سیاست های تجاری به سمت منطقه ای و چندکشوری، طرح های آزادسازی تجاری جدید باید از قطعه قطعه کردن تجارت اجتناب کند و تلاش های جدیدی در راستای تجدید و تجهیز مجدد حاکمیت سیستم تجارت چندجانبه با بر محور WTO صورت گیرد. همچنین مراقبت شدید و هماهنگ برای اجتناب از اعمال اشکال جدیدی از حمایت گرایی مشابه حمایت تعرفه ای سنتی، مورد نیاز است.

پرداختن بهتر به موضوعات مهم تجاری کلان توسط صندوق، نیاز به تلاش هماهنگ بیشتری دارد. این امر نگرش نهادی روشن تری درباره موضوع تجارت و سیاست های تجاری؛ مطالعات و بررسی های تحلیلی مستمر؛ تلاش های مضاعف برای بیان مفاهیم کلیدی تجارت و چشم انداز سیاست تجاری، به خصوص برای نظارت دو جانبه و منطقه ای؛ اولویت بندی همکاری دو جانبه در حوزه های کلان؛ بازنگری راهنماها؛ و فرآیندهای بازمینی، می طلبد. با

۱. Bali agreement موافقتنامه تجاری است که در نهمین کنفرانس اداری سازمان تجارت جهانی در بالی اندونزی ۳-۷ دسامبر ۲۰۱۳ بدست آمده است. این موافقتنامه با هدف کاهش موانع تجاری جهانی تهیه شده است و اولین موافقتنامه ای است که توسط همه اعضای WTO به تصویب رسیده است.

توجه به محدودیت منابع و تخصص تجاری محدود صندوق، نیاز به اولویت بندی دقیق و همکاری مستمر با سایر نهادهای بین المللی، وجود دارد.

تمرکز نظارت در کشورهای پیشرفته، اقتصادهای نوظهور و کشورهای کم درآمد باید با هدف پاسخگویی به نیازهای متفاوت اقتصادها حسب ماهیت متفاوت شرایط کلان اقتصادی آنها، تنظیم شود.

در اغلب **کشورهای توسعه یافته** موضوع کلیدی، تلاش برای توسعه حد و مرزهای سیاست های تجاری جدید، باز کردن بازارهای خدماتی و ایجاد سیستم های قانونی منسجم تر می باشد (به عنوان مثال هماهنگی بهتر در تنظیم مقررات داخلی از طریق گفتگو با قانون گذاران، به رسمیت شناختن طرفین و در برخی موارد هماهنگ سازی). این امر منافع بالقوه ای برای آنها به همراه دارد در صورتی که عدم یکپارچگی و انسجام به حداقل کاهش یابد.

تعداد زیادی از **اقتصادهای در حال ظهور**، به عنوان مثال در آسیای جنوبی و امریکای لاتین کماکان می توانند از یکپارچگی از طریق آزادسازی سنتی، استفاده از لنگر اتصال به زنجیره ارزش جهانی، حذف سیاست های جایگزینی واردات (سیاست های جایگزینی واردات در گذشته با شکست مواجه شده است) و اجتناب از اعمال سیاست های حمایتی و استفاده از محدودیت های غیر تعرفه ای، منتفع شوند. آزادسازی تجاری منافع حاصل از اعمال اصلاحات ساختاری را تکمیل و تقویت می کند و از تقویت چارچوب های سیاستی و نهادی حمایت می کند.

کشورهای کم درآمد به تجارت و یکپارچگی برای پیوستن به زنجیره ارزش جهانی به عنوان حلقه مرکزی استراتژی رشد و توسعه شان نیاز دارند. آنها می توانند انواع روش های حمایتی را که مانع از ایجاد اشتغال و رشد صادرات می شود حذف کنند. برای این کشورها پرداختن به موانع تجاری قدیمی از قبیل ارتقاء زیرساخت های تجاری و بهبود نهادهای اقتصادی هنوز از اهمیت بسزایی برخوردار است. اقتصادهای مذکور ممکن است به همکاری فنی نیاز داشته باشند از قبیل این که چگونه با محیط کمتر حمایتی، سازگار شوند (به عنوان مثال کارکردهای مالی تعرفه های کمتر)؛ توالی، سرعت و هماهنگی اصلاحات چگونه باشند؛ و در چه شرایطی از بهبود دسترسی به بازارهای اقتصادهای پیشرفته، بهره برداری کنند.

ارزیابی تجارت و سیاست تجاری - چشم انداز سال های اخیر

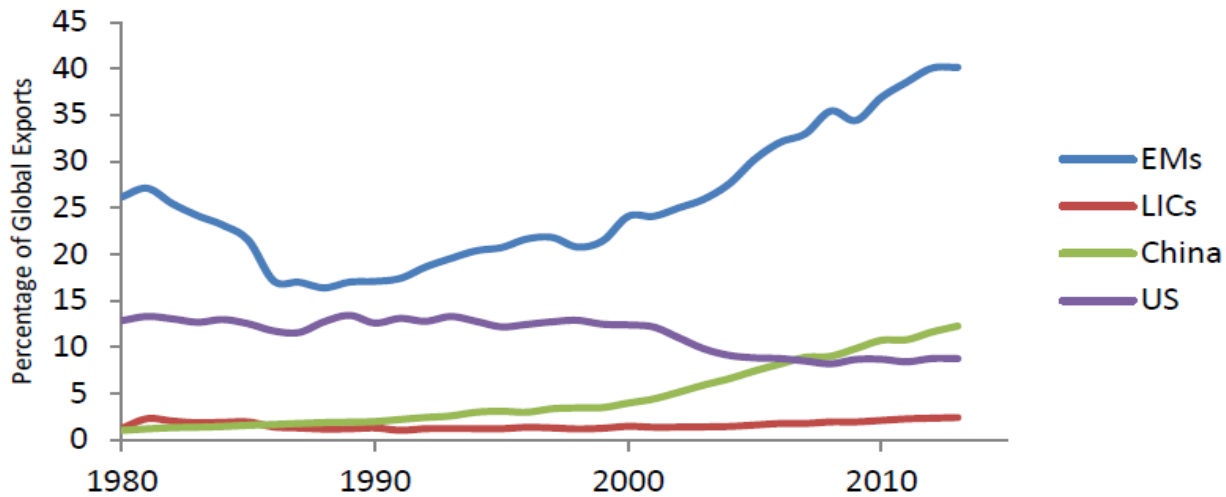
الف - چشم انداز تجارت در حال تغییر

طی چند دهه گذشته، در راستای افزایش وابستگی های متقابل، رشد تجارت جهانی از رشد GDP پیشی گرفته است. این رشد تجاری چشمگیر، ناشی از رشد اعضای WTO به خصوص الحاق چین، گسترش سریع GVCs (زنجیره های ارزش جهانی) و نقش فزاینده **تجارت جنوب - جنوب** بوده است. البته این فرایند در همه کشورها به صورت یکسانی رخ نداده است؛ بلکه در کشورهای کم درآمد و اقتصادهای نوظهور یکپارچگی تجاری بیشتر بوده است.

بازیگران قدیم و جدید تجارت جهانی

۱. طی سه دهه اخیر تجارت جهانی به صورت چشمگیری (به خصوص در اقتصادهای نوظهور) افزایش یافته است. ارزش صادرات کالاهای جهانی با رشد ۶٫۸ درصد در هر سال از ۲ تریلیون دلار در سال ۱۹۸۰ به بیش از ۱۸ تریلیون دلار در سال ۲۰۱۳ رسیده است؛ همچنین طی بازه زمانی مشابه حجم تجارت چهار برابر افزایش یافته است (WTO-۲۰۱۳). کاهش معنی دار موانع تجاری به دلیل تغییرات فنی، حمل و نقل و سیاست گذاری تجاری این امر را ممکن ساخته است. در سال ۱۹۸۰ اقتصادهای توسعه یافته نزدیک به ۷۳ درصد صادرات کالاهای جهانی را به خود اختصاص داده بودند. آمریکا با در اختیار داشتن سهم ۱۳ درصدی از صادرات کالاهای جهانی، صادرکننده برتر (عمده) بوده است (نمودار ۱). طی این دوره، سهم کشورهای نوظهور و کشورهای کم درآمد از صادرات کالاهای جهانی از ۲۷ درصد در سال ۱۹۸۰ به ۴۳ درصد در سال ۲۰۱۳ رسیده است. سهم صادرات چین از یک درصد در سال ۱۹۸۰ به ۱۲ درصد در سال ۲۰۱۳ رسیده است (در سال ۲۰۱۴ کل صادرات کالایی ایران ۸۸٫۸ میلیارد دلار و کل ارزش واردات ۵۲ میلیارد دلار بوده است؛ سهم ایران از صادرات کالا در جهان ۰٫۴۷ درصد و سهم واردات ایران از جهان ۰٫۲۷ درصد در سال ۲۰۱۴ می باشد). افزایش صادرات منجر به افزایش GDP در کشورهای کم درآمد و اقتصادهای نوظهور شده است به طوری که سهم آنها از واردات کالاهای جهانی از ۲۳ درصد در سال ۱۹۸۰ به ۴۰ درصد در سال ۲۰۱۳ رسیده و تقریباً به دو برابر افزایش یافته است.

نمودار ۱- صادرات به تفکیک کشورها



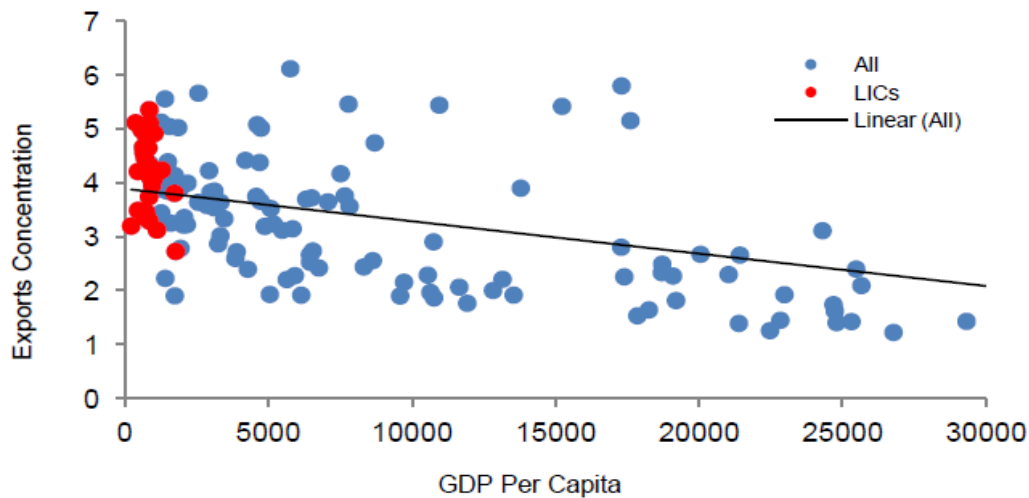
Source: DOTS and Fund staff calculation.

Note: EMs include China.

۲. در هر حال یکپارچگی تجاری اقتصادهای نوظهور و کشورهای کم درآمد به شدت متفاوت بوده و فضای قابل توجهی برای یکپارچگی بیشتر وجود دارد. یکپارچگی کشورهای نوظهور در سیستم تجارت جهانی در بین کشورهای مختلف به شدت متفاوت بوده است. به عنوان مثال **شدت تجارت چین** (نسبت مجموع صادرات و واردات به GDP) با رشد فوق العاده از ۱۳ درصد در سال ۱۹۸۰ به ۴۶ درصد در سال ۲۰۱۳ رسیده است در حالی که **شدت تجارت برزیل** با رشد ملایم از ۲۰ درصد به ۲۸ درصد رسیده است. کشورهای کم درآمد در سال ۲۰۱۳ با توجه به موانع ساختاری قوی در مقابل تجارت، کمتر از ۳ درصد صادرات را به خود اختصاص دادند. نمودار ۲ رابطه مثبت بین تنوع محصولات صادراتی^۱ و GDP سرانه را نشان می دهد. کشورهای کم درآمد که در زیربناها، شبکه های تجاری و سرمایه انسانی سرمایه گذاری کرده اند، تعداد شرکای تجاری و محصولات صادراتی خود را افزایش داده اند. تجارت و یکپارچگی تجاری نقش های متفاوتی در استراتژی رشد کشورهای مختلف ایفا می کند فضای زیادی برای رشد تجارت بین المللی اقتصادهای نوظهور و کشورهای کم درآمد وجود دارد.

^۱-درجه تمرکز صادرات شاخصی است که نشان دهنده تنوع محصولات صادراتی یک کشور می باشد. هر چه تنوع محصولات صادراتی یک کشور کمتر باشد، درجه تمرکز صادرات آن کشور بیشتر است.

نمودار ۲- درجه تمرکز صادرات و GDP سرانه



Source: COMTRADE, Penn World Table 7.0, Fund staff calculation (IMF, 2014b).

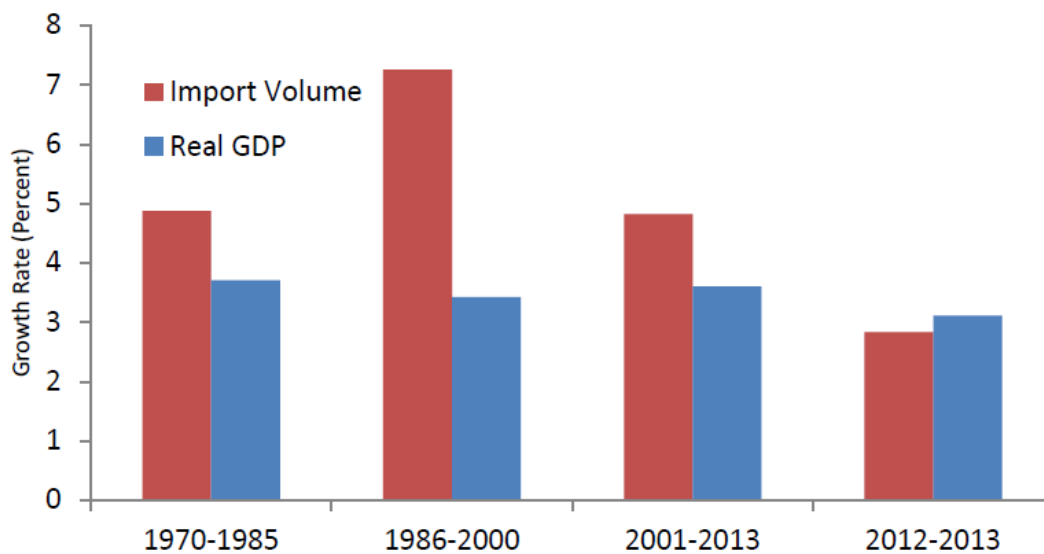
نقاط روی نمودار سطوح مختلف درآمدی و درجه تمرکز صادرات برای کل کشورهای جهان (گروه کشورهای توسعه یافته، نوظهور و کم درآمد) را طی بازه زمانی ۲۰۱۰-۱۹۶۰ نشان می دهد. مقادیر بزرگتر تمرکز صادرات نشان می دهد که شرکای تجاری و محصولات صادراتی محدود و متمرکز شده اند.

۳. رشد تجارت در اواخر سال ۲۰۰۸ و اوایل ۲۰۰۹ دچار سقوط، ریزش ناگهانی و شدید شد. کاهش سالانه واردات بین فصل چهارم ۲۰۰۸ و اولین فصل ۲۰۰۹، ۳۰ درصد بود و اقتصادهای در حال توسعه و توسعه یافته را به طور برابر متاثر ساخت (IMF, ۲۰۱۰). واردات با نرخ سالانه ۲۰ درصد طی سه فصل بعد از آن شروع به افزایش کرد. اما با وجود بهبود، کماکان تجارت جهانی پایین تر از روند قبل از بحران بود. به علاوه برای کشورهایی که به طور مستقیم از بحران مالی و بانکی متاثر شدند، واردات در سطوح پایین تر از سال های قبل از بحران قرار گرفت و این امر بهبود صادرات کشورهایی که به طور مستقیم از بحران مالی متاثر نشده بودند را نیز محدود کرد.

۴. رشد تجارت، پس از بهبود بحران بزرگ کند بوده است. حجم تجارت در سال ۲۰۱۲ و ۲۰۱۳ فقط در حدود ۳ درصد رشد کرده است که از میانگین سال های قبل از بحران (۱۹۸۷ تا ۲۰۰۷) که ۷,۱ درصد بوده است خیلی کمتر است (نمودار ۳) ضمناً رشد حجم تجارت در سال های ۲۰۱۲-۲۰۱۳ از رشد اقتصاد جهان در همین بازه زمانی نیز کمتر بوده است که چنین مشاهده ای در بازه های قبلی زمانی ملاحظه نمی شود. شاید بتوان گفت تغییرات ساختاری که قبل از بحران شروع شد منجر به کاهش تجارت جهانی شده است: برآورد کشش بلندمدت تجارت

نسبت به GDP، از ۲,۲ در بازه زمانی ۲۰۰۰-۱۹۸۶ به ۱,۳ در سال های ۲۰۱۳-۲۰۰۱ کاهش یافته است و این مقدار برابر با کشش بلندمدت تجارت به GDP در بازه زمانی ۱۹۸۵-۱۹۷۰ می باشد. تغییرات در ساختار تجاری، به خصوص گسترش سریع زنجیره های ارزش جهانی در دهه ۱۹۹۰ و کند شدن آن در دهه ۲۰۰۰ می تواند این وضعیت را توضیح دهد. همچنین کاهش آزاد سازی تجاری در دهه ۲۰۰۰ میلادی نسبت به دهه ۱۹۹۰ به کاهش تجارت جهانی در سال های اخیر کمک کرده است.

نمودار ۳- متوسط نرخ رشد حجم واردات و رشد تولید ناخالص داخلی واقعی



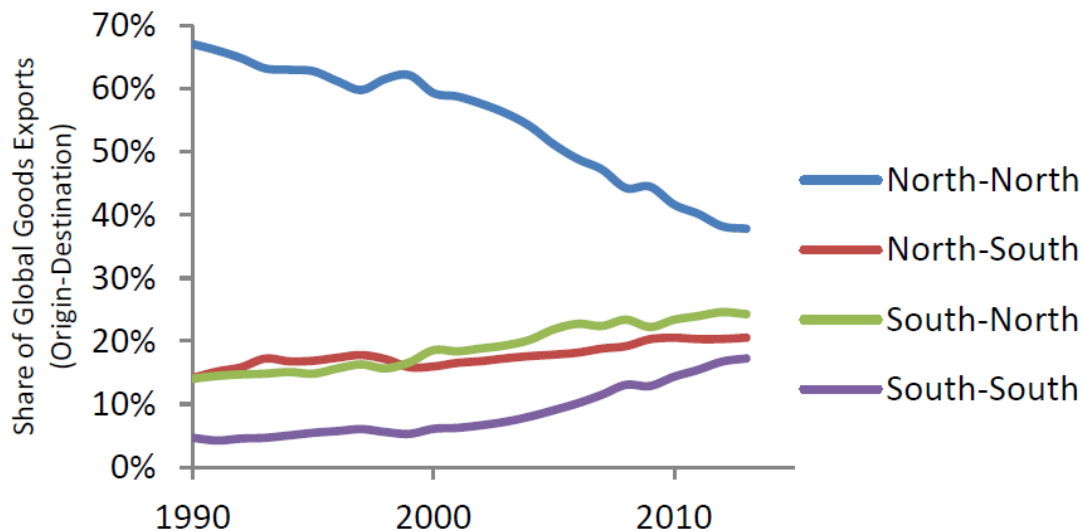
Source: IMF World Economic Outlook.

الگوهای در حال تغییر تجارت

۵. کشورهای نوظهور اقتصادی و کشورهای کم درآمد نه تنها با رشد حجم تجارت مواجه بوده اند بلکه حجم تجارت بین این کشورها نیز با رشد چشمگیری همراه بوده است. تجارت بین اقتصادهای پیشرفته به عنوان سهمی از تجارت جهانی در طی دو دهه اخیر افت کرده است به طوری که سهم صادرات بین اقتصادهای توسعه یافته از صادرات جهانی (تجارت شمال-شمال) از ۶۷ درصد کل صادرات در سال ۱۹۹۰ به ۳۸ درصد در سال ۲۰۱۳ کاهش یافته است (نمودار ۴)، در حالی که سهم صادرات بین کشورهای کم درآمد و اقتصادهای نوظهور (تجارت جنوب - جنوب) از ۵ درصد کل صادرات جهان در سال ۱۹۹۰ به ۱۷ درصد در سال ۲۰۱۳ افزایش یافته است.

همچنین سهم تجارت بین کشورهای توسعه یافته و کشورهای کم درآمد و اقتصادهای نوظهور از تجارت جهانی (تجارت شمال- جنوب) تقریباً ثابت بوده است.

نمودار ۴- صادرات جهانی کالا

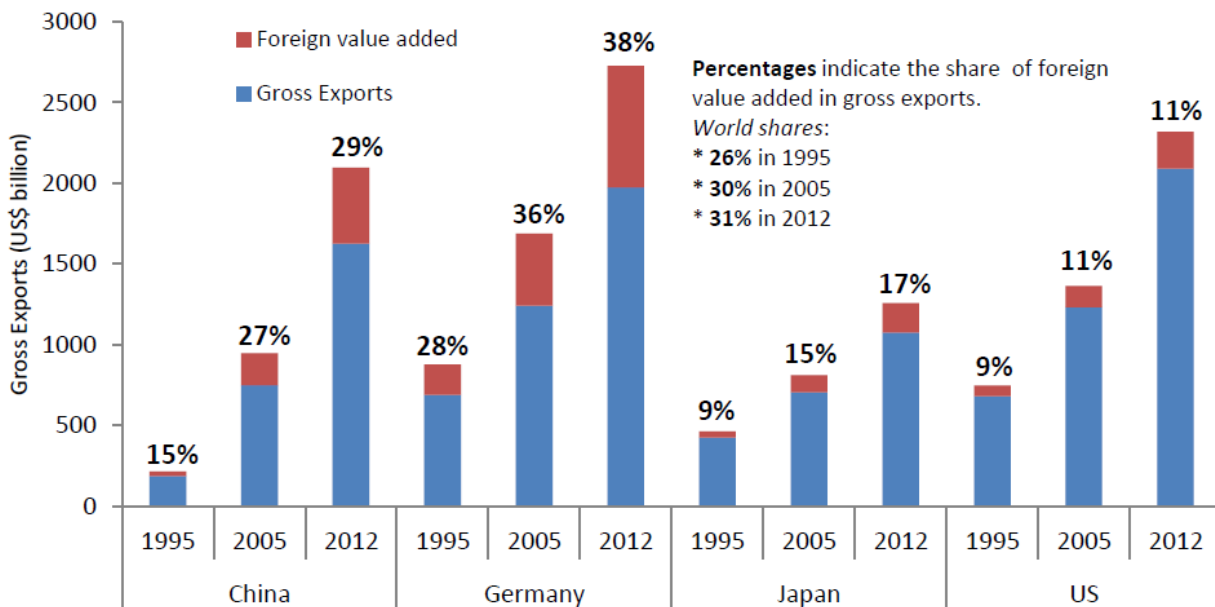


Source: DOTS and Fund staff calculation.

۶. زنجیره های ارزش جهانی (ایجاد رابطه تجاری- سرمایه گذاری- خدمات) در برخی مناطق افزایش چشمگیری داشت. پیشرفت های تکنولوژیکی در حمل و نقل و ارتباطات و آزادسازی تجاری هزینه های مبادلات را کاهش داد و کاهش تمرکز تولید در درون مرزها را تسهیل کرد. زنجیره های ارزش جهانی یکی از دلایل عمده رشد تجارت جهانی و افزایش سهم اقتصادهای نوظهور مانند چین هستند. **حجم تجارت کالایی جهانی طی سه دهه گذشته بسیار سریعتر از GDP جهانی رشد نموده است (WTO, ۲۰۱۳).** ظهور زنجیره های ارزش جهانی، رشد سریع تجارت ناخالص جهانی را در پی داشته است چرا که صادرات به طور عمده شامل کالاهای واسطه ای و نهاده هایی بوده است که تا مونتاژ نهایی و فروش به مصرف کننده نهایی چندین بار از مرزها عبور کرده است.

"تخصص عمودی"^۱ از اواسط دهه ۱۹۹۰ میلادی افزایش یافته است (نمودار ۵). این افزایش به خصوص برای چین (سهم ارزش افزوده وارداتی (خارجی) در صادرات از ۱۹۹۵ تا ۲۰۰۵، ۱۲ درصد افزایش یافته است)، آلمان و ژاپن (به ترتیب ۸ و ۶ درصد) کاملاً مشخص است. ظهور زنجیره ارزش جهانی به این کشورها کمک کرده است تا قدرت صادراتی خود را افزایش دهند. در مقایسه با این کشورها در آمریکا «سهم محتوی خارجی»^۲ در صادرات ناخالص کمترین مقدار است. زنجیره های ارزش جهانی در مناطق خاصی مانند آمریکای شمالی، اروپا و آسیای جنوب شرقی متمرکز شده اند.

نمودار ۵- ارزش افزوده خارجی در ناخالص صادرات جهانی



Source: Fund staff estimates using OECD Input-Output tables, UN Comtrade and OECD STAN data.

^۱ تخصص عمودی اشاره به کالاهای وارداتی دارد که به عنوان نهاده برای تولید کالاهای صادراتی مورد استفاده قرار می گیرد. به عبارتی دیگر وقتی کشوری در زنجیره ارزش جهانی تخصص عمودی پیدا می کند به این معنی است که آن کشور بخشی از فرآیند تولید را به عهده داشته و فقط قسمتی از ارزش افزوده مربوط به کالاهای صادراتی متعلق به آن کشور است و سایر کشورها نیز در ارزش افزوده صادراتی سهیم هستند.

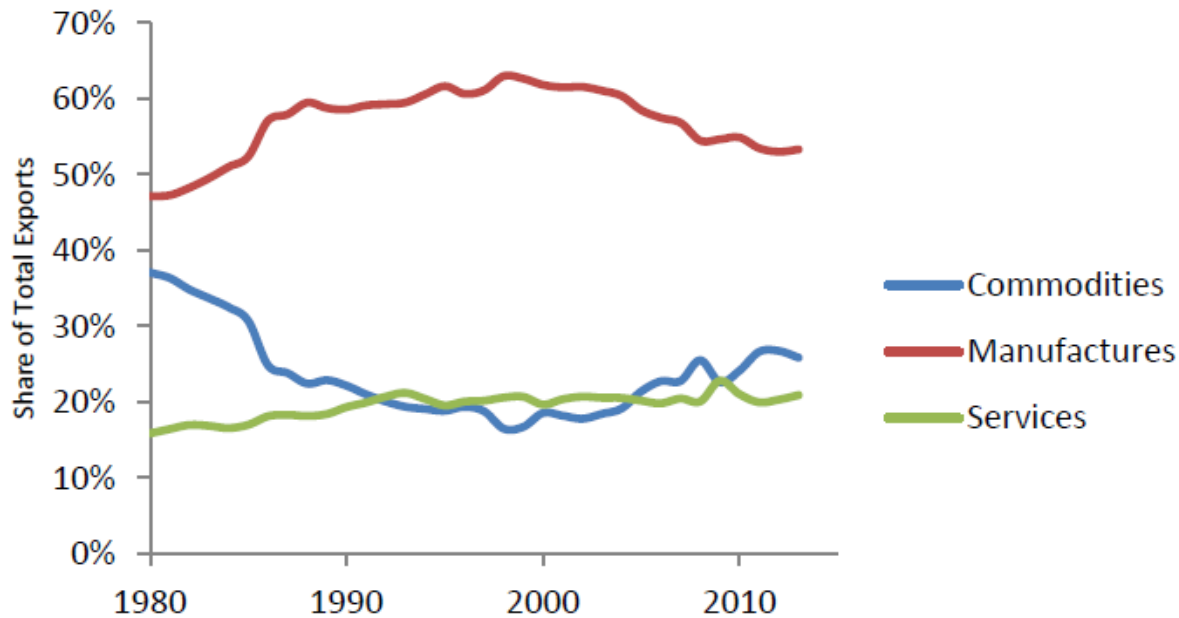
^۲ Foreign content با توجه به این که کشورها در زنجیره ارزش جهانی تخصص عمودی پیدا کرده اند قسمتی از ارزش افزوده صادرات هر کشور متعلق به سایر کشورهایی است که در زنجیره ارزش مشارکت دارند لذا «سهم محتوی خارجی» اشاره به قسمتی از ارزش افزوده صادرات دارد که متعلق به سایر کشورها است.

۷. کشورهای توسعه یافته و اقتصادهای نوظهور و کشورهای کم درآمد نقش های متفاوتی در زنجیره های ارزش جهانی بازی می کنند. کشورهای توسعه یافته در زنجیره ارزش، در بخش بالادستی حضور دارند که ارزش افزوده خارجی کمی در صادرات خود دارند و تولیدات خود را به کشورهای نوظهور و کم درآمد صادر می کنند لذا کشورهای نوظهور و کم درآمد در بخش پایین دستی زنجیره قرار می گیرند که ارزش افزوده خارجی صادرات آنها نسبتاً بزرگ است (IMF, 2011a). بنابراین افزایش کل صادرات لزوماً به معنی افزایش رشد اقتصادی نیست بلکه باید ارزش افزوده هر مرحله از تولید مدنظر قرار گیرد (با بزرگتر شدن زنجیره ارزش، صادرات کشورهای کم درآمد که در بخش پایین دستی زنجیره قرار می گیرند افزایش چشم گیری می یابد در حالی که بخش عمده این صادرات، ارزش افزوده خارجی است لذا در این صورت افزایش کل صادرات لزوماً به معنی افزایش رشد اقتصادی نمی باشد). اما در هر صورت ظهور زنجیره ارزش شرایطی را فراهم کرد که برخی از کشورهای نوظهور بتوانند محتوای تکنولوژیکی صادرات خود را افزایش داده و در زنجیره ارزش افزوده به سمت بالادستی حرکت کنند و در بخش صادرات همانند کشورهای توسعه یافته عمل کنند.

تغییرات در ترکیب تجارت

۸. تجارت خدمات بازرگانی طی سه دهه گذشته کمی سریعتر از تجارت کالاها رشد کرد. ارزش صادرات خدمات بازرگانی جهانی با رشدی در حدود ۸ درصد به طور سالانه، از ۳۷۰ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۰ (۱۶ درصد کل صادرات) به ۴,۶ تریلیون دلار در سال ۲۰۱۳ (۲۱ درصد کل صادرات) افزایش یافته است (WTO, 2013) (نمودار ۶). خدماتی از قبیل حمل و نقل و خدمات مالی تا حدود زیادی به تجارت کالا وابسته هستند و در زنجیره جهانی ارزش، ارزش افزوده بزرگتری نسبت به صنایع کارخانه ای دارند.

نمودار ۶- ترکیب تجارت جهانی



Source: WTO and Fund staff calculation.

۹. خدمات مالی از اهمیت ویژه ای برخوردار هستند چرا که سرمایه مورد نیاز برای فعالیت ها را فراهم کرده و ریسک پرداخت ها را در تجارت بین الملل کاهش می دهد (تامین مالی تجارت). واسطه های بانکی و مالی، یک سوم از تجارت جهانی را ممکن می سازند و در کشورهای نوظهور و کم درآمد رشد سریعتری داشته اند (BIS, ۲۰۱۱). در بحران مالی جهانی، تامین مالی تجارت به شدت کاهش یافت اما به سرعت بهبود پیدا کرد؛ لذا می توان نتیجه گرفت که تامین مالی تجارت نقش زیادی در کاهش تجارت نداشته است (Ahn, ۲۰۱۱, and Asmundson et al., ۲۰۱۱). در سال های اخیر رشد سریع خدمات تامین مالی تجارت به دلیل رشد زنجیره ارزش جهانی بوده است.

ب- چشم انداز سیاست های تجاری در حال تغییر

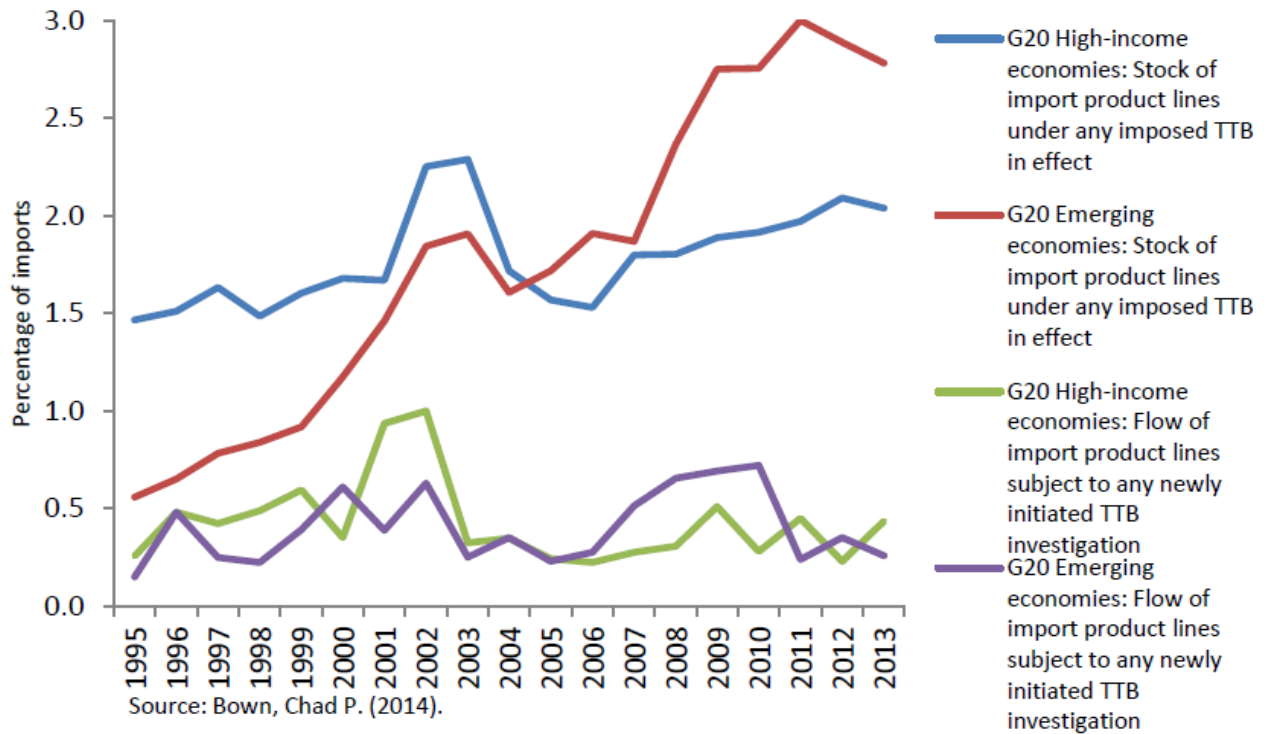
در سمت سیاست تجاری دو جابجایی مهم در سال های اخیر اتفاق افتاده است: تلاش های آزادسازی تجاری از مذاکرات چندجانبه به مذاکرات ترجیحی و چندکشوری تبدیل شده است و تمرکز از موانع تعرفه ای به موانع غیرتعرفه ای و معیارهای آن معطوف شده است.

بحران و ریسک حمایت گرایی

۱۰. طی بحران جهانی بر خلاف نگرانی های اولیه، موانع تجاری متعارف به طور معنی داری افزایش نیافت اما در سمت مقابل نگرانی هایی از ایجاد انواع روش های حمایتی غیرشفاف بوجود آمد. تجربه رکود بزرگ (۱۹۲۹) نشان داد که تعرفه های واردات و موانع تجاری موقت (از جمله آنتی دامپینگ و اقدامات جبرانی) در دوره های رکود اقتصادی، گرایش به افزایش و تشدید دارد. اما این موضوع طی بحران بزرگ (۲۰۰۸) در مورد کشورهای توسعه یافته و اغلب کشورهای کم درآمد و نوظهور اتفاق نیفتاد. اگر چه اخیراً محدودیت های وارداتی دو جانبه از طریق موانع تجاری موقتی در کشورهای توسعه یافته بکار گرفته شده است (نمودار ۷). شاید بتوان گفت این یکی از اقدامات کلیدی^۱ اتخاذ شده توسط جامعه بین المللی در یک برهه بسیار مهم برای به حداقل رساندن گسترش و تقویت پس لرزه های بحران مالی جهانی بوده است. به هر حال بر اساس گزارش *Global trade alert* بکارگیری روش های حمایتی غیرشفاف از قبیل روش های متعدد پرداخت یارانه (مانند کمک های مالی، تخفیف های مالیاتی و یارانه های صادراتی و رعایت الزام سهم داخلی) افزایش یافته است.

۱- آنچه در WTO از اهمیت بالایی برخوردار می باشد این است که تجارت جهانی کالاها براساس ۱۳ موافقت نامه مختلف حاکم بر تجارت بین المللی صورت گیرد. یکی از مهم ترین موافقت نامه ها در مورد موانع غیرتعرفه ای می باشد. موافقت نامه TBT مسائل مربوط به موانع فنی تجارت ناشی از قوانین فنی، استانداردها و ارزیابی انطباق های مختلف که هر کشور عضو آنها را پیاده سازی و اجرا نموده است را پوشش می دهد. هدف اولیه از موافقت نامه (TBT)، این است که اطمینان حاصل گردد قوانین فنی، استانداردها و ارزیابی انطباق، موانع غیرضروری در تجارت ایجاد نمی کنند. موافقت نامه (TBT) توصیه می کند که هماهنگی و شفافیت در بین کشورهای عضو صورت گیرد که سه مقوله مذکور موانع تجارت نباشند، در حالیکه هیچ کشوری نباید از اقدامات مناسب برای حیات و سلامتی انسانها، حیوانات و گیاهان و حمایت از محیط زیست جلوگیری نماید

نمودار ۲-۲۰ G۲۰ کشورهای با درآمد بالا. G۲۰ اقتصادهای نوظهور که از موانع تجاری موقت^۱ استفاده می کنند



روش ها و ابزارهای تعرفه ای و غیرتعرفه ای

ابزارهای غیر تعرفه ای بسیار مهم تر از موانع تعرفه ای سنتی بوده و شناسایی و اندازه گیری آن هم بسیار مشکل تر است. در ادوار پس از جنگ های جهانی کاهش شدیدی در موانع تجاری اتفاق افتاد. متوسط تعرفه ها در اروپای غربی و آمریکای شمالی با کاهش های شدید در دهه های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ میلادی همراه بوده به طوری که از ۱۵ درصد در سال ۱۹۵۲ به ۴ درصد در سال ۲۰۰۵ رسید (WTO, ۲۰۰۷). تعداد زیادی از کشورهای در حال توسعه این مسیر را فقط در دهه ۱۹۸۰ میلادی طی کردند و تعرفه های خود را به طرز چشمگیری کاهش دادند (IMF, ۲۰۱۱a and ۲۰۱۱b). اما موانع غیرتعرفه ای به نظر می رسد هم از حیث تعداد کالاهای تحت پوشش و هم تعداد کشورهایی که از آن بهره می گیرند به شدت افزایش یافته است. موانع غیرتعرفه ای به دو دسته موانع فنی مانند موانع فنی برای تجارت (TBT)^۲ یا مراقبت های بهداشتی و گیاهی (SPS) و ابزار غیرفنی مانند اقدامات ابزار حفاظتی

^۱ -TTB (Temporary trade barriers)

^۲ - TTB (Technical barriers to trade)

تجاری مشروط تقسیم می شود. استفاده از موانع غیر تعرفه ای از اواسط دهه ۱۹۹۰ به تدریج رشد کرد و در اوایل دهه ۲۰۰۰ به شدت رشد کرد (WTO, ۲۰۱۲) و پس از آن بدون تغییر ماند. اما به هر حال ارائه ارزیابی دقیق از موانع غیر تعرفه ای بسیار مشکل است چرا که داده های مربوط به موانع غیرتعرفه ای بطور کامل در دسترس نیست؛ زیرا این موانع در کشورهای مختلف متفاوت بوده و به طور سیستمی ثبت نمی شوند (UNCTAD, ۲۰۱۳).

۱۱. استفاده از موانع غیرتعرفه ای چالشی است که با سیاست های عمومی قانونی و ضوابط نظارتی در تقابل است. موانع غیرتعرفه ای یکی از اجزای مهم هزینه های تجارت است که اغلب محدودیت های تجاری تعرفه ها را دو برابر می کند. این موضوع به خصوص برای کشورهای پیشرفته و محصولات کشاورزی (در مقایسه با محصولات کارخانه ای) از اهمیت بسزایی برخوردار است. به هر حال تعداد زیادی از موانع غیرتعرفه ای از سیاست های ملی و ضوابط مقرراتی از قبیل سلامتی غذا یا موضوعات محیط زیست ناشی می شود که ارزیابی آن را مشکل تر می سازد. بنابراین شفافیت بیشتر در استفاده از موانع غیرتعرفه ای و وجود ساختار نهادی متحد در میان کشورها از اهمیت بالایی برخوردار است (WTO, ۲۰۱۲).

وضعیت تجارت در کشور ایران نیز با موانع و مشکلاتی روبرو است. رفع مشکلات مذکور و تدوین سیاست های تجاری همواره در دولت های مختلف مورد توجه بوده است. طی سال های اخیر برزو تحریم بر مشکلات تجارت کشور افزود و توجه ویژه ای به این موضوع در بسته سیاست های خروج غیر توری از رکود دولت شد؛ که پیگیری برای اجرایی شدن سیاست های پیشنهادی در این بسته می تواند اقدامی مثبت برای رفع موانع دست و پاگیر در بخش تجارت کشور محسوب شود. در ادامه تصویری از وضعیت تجارت کشور از حیث مقررات و موانع قانونی و مجوزهای دستگاه هاس مختلف ارائه می شود:

نکات زیر از گزارش نقش سازمان توسعه تجارت در بهبود فضای کسب و کار با رویکرد کاهش اسناد و زمان تجارت، شهریور ۹۳ در رابطه با موانع تجاری در کشور ایران استخراج شده است:

اسناد لازم جهت انجام صادرات:

- (۱) بارنامه دریایی / هوایی BILL OF LADING/ AIRWAR
- (۲) سیاهه تجاری COMMERCIAL INVOICE
- (۳) اظهارنامه گمرکی صادرات کالا CUSTOMS EXPORT DECLARATION
- (۴) فهرست بسته بندی PACKING LIST
- (۵) بیمه نامه INSURANCE
- (۶) گواهی استاندارد فنی TECHNICAL STANDARD CERTIFICATE
- (۷) رسید جابجایی کالا TERMINAL HANDLING RECEIPT
- (۸) گواهی مبدأ CERTIFICATE OF ORIGIN

اسناد لازم جهت انجام واردات:

- (۱) بارنامه دریایی / هوایی BILL OF LADING/ AIRWAR
- (۲) سیاهه تجاری COMMERCIAL INVOICE
- (۳) اظهارنامه گمرکی واردات کالا CUSTOMS IMPORT DECLARATION
- (۴) فهرست بسته بندی PACKING LIST
- (۵) بیمه نامه INSURANCE
- (۶) گواهی استاندارد فنی TECHNICAL STANDARD CERTIFICATE
- (۷) رسید جابجایی کالا TERMINAL HANDLING RECEIPT
- (۸) گواهی مبدأ CERTIFICATE OF ORIGIN
- (۹) ثبت سفارش
- (۱۰) ترخیصیه RELEASE ORDER

دستگاه های صادر کننده مجوز واردات

ردیف	سازمان	تعداد مجوز
۱	وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی	۱۵۹۶
۲	موسسه استاندارد	۱۳۷۰
۳	وزارت جهاد و کشاورزی	۱۰۳۲
۴	وزارت صنایع و معادن جدید	۳۱۱
۵	وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح	۱۵۲
۶	سازمان انرژی اتمی	۸۱
۷	وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات	۶۴
۸	وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی	۵۴
۹	سازمان حفاظت محیط زیست	۳۴
۱۰	وزارت نفت	۲۸
۱۱	سازمان هواپیمایی کشوری	۱۹
۱۲	شرکت کشتیرانی ج.ا.ا.	۱۸
۱۳	فدراسیون موتور سواری	۱۸
۱۴	بانک مرکزی	۱۱
۱۵	انجمن صنایع روغن نباتی ایران	۱۰
۱۶	شرکت دخانیات ایران	۸
۱۷	وزارت علوم، تحقیقات و فناوری	۲۱
۱۸	ستاد مدیریت حمل و نقل و سوخت	۱
۱۹	سازمان بنادر و دریانوردی	۱
۲۰	سازمان میراث فرهنگی	۱

اجزا شاخص تجارت فرامرزی ایران به تفکیک صادرات و واردات بر اساس اعلام گمرک ایران در جدول زیر نشان داده شده است

شرح	صادرات		واردات	
	زمان روز	هزینه \$	زمان روز	هزینه \$
آماده سازی اسناد	۱۲	۲۷۰	۱۹	۳۳۰
کنترل فنی و ترخیص گمرکی	۲	۱۷۵	۲	۲۲۰
حمل و نقل در بندر و ترمینال	۴	۲۲۵	۵	۲۵۰
حمل در داخل کشور	۷	۸۰۰	۶	۱۳۰۰
جمع	۲۵	۱۴۷۰	۳۲	۲۱۰۰

طی مطالعه مقایسه ای انجام شده در مورد برخی کشور های منطقه از جمله عمان و ترکیه، مشخص گردیده است که تعداد اسناد تفاوت قابل ملاحظه ای با ایران ندارد اما تعداد روز و هزینه انجام تجارت دارای اختلاف بسیاری است. بهره گیری از فرآیند های تجارت الکترونیکی، کاهش قوانین محل تجارت و محدود کننده، شفافیت فضای اقتصادی و زیر ساختهای مناسب و کافی بویژه در حوزه خدمات لجستیکی از مهمترین دلایل اختلاف رتبه کشورهای مذکور با ج.ا.ایران می باشد. همپوشانی صدور مجوز بین وزارتخانه ها و دستگاه های مختلف در واردات، بسیار وجود دارد: در صورت رفع همپوشانی مجوزهای صادره از سوی دستگاه ها، تجارت تسهیل و زمان ترخیص کالا از گمرک کوتاه تر می شود.

خلاصه ای از مشکلات موجود در فضای کسب و کار کشور:

- تاثیر تحریم های اعمال شده بر علیه کشورمان و به تبع آن مشکلات ایجاد شده در بخش های بانک، بیمه و ... که موجب افزایش زمان و هزینه گردیده است.
- اعمال محدودیت های قانونی، تعدد استثنائات قانونی در امر تجارت کشور و اجرای طرح های محدود کننده بدون پشتوانه کارشناسی لازم در سنوات اخیر که منجر به عدم شفافیت مورد انتظار فضای اقتصادی کشور گردید.
- تغییرات بسیار و تعدد ضوابط و قوانین مربوط به صادرات و واردات (وجود حداقل ۳۲ قانون) که موجب ایجاد تأخیر و تحمیل هزینه های گزاف و آخرین قیمت تمام شده کالا می گردد
- فقدان زیرساختهای لازم در حوزه لجستیکی (بسته بندی، حمل و نقل، بارگیری بر روی کشتی، پیاده سازی کانتینر از روی کشتی...).
- موازی کاری سازمان های متولی نظارت بر امر صادرات و واردات.
- عدم بهره گیری از خدمات شرکت های بازرسی در بررسی کیفی کالاهای وارداتی در تمامی کشورهای هدف تجاری.
- هزینه های بالای حمل و نقل در مرحله اجرا و بصورت متفاوت با آنچه مصوب است.
- مشکلات بانکی ایجاد شده بر اثر تحریم ها که منجر به افزایش هزینه و ریسک تجارت گردیده است.
- مشکلات حمل و نقل دریایی بر اثر تحریم ها که منجر به افزایش هزینه تجارت گردیده است

پیشنهادات

- انجام مطالعه میدانی و مقایسه ای جهت ارزیابی و رفع اختلاف آماری موجود در انجام فرآیند های مربوطه توسط هر یک از دستگاههای ذیربط با در نظر گرفتن سه مولفه موثر بر بهبود شاخص تجارت فرامرزی (اسناد، زمان و هزینه).
- لزوم شناخت روشن و ارزیابی صحیح از وضع موجود زیرا بدون آن برنامه ریزی دقیق برای بهبود رتبه شاخص تجارت فرامرزی و مرتفع نمودن موانع و مشکلات، عملیاتی نخواهد بود.
- انجام مطالعات میدانی و تطبیقی در مورد کشورهای دارای تجربه موفق در بهبود فضای کسب و کار و به طور اخص شاخص تجارت فرامرزی.
- پیاده سازی و اجرای سیستم مدیریت ریسک.
- استفاده از تکنولوژی های روز دنیا در گمرکات.
- بهره گیری از حمل و نقل یکسره کالاها.
- کاهش تعداد اسناد تجاری با هماهنگی های بین دستگاهی و کاهش تعداد دستگاههای مجوز دهنده و ارزیابی کننده.
- بهبود عملیات بندری.
- اجرای کامل ماده ۱۲ قانون امور گمرکی.
- راه اندازی کامل پنجره واحد تجاری.
- ایجاد زیرساخت های مناسب نظیر جاده های ارتباطی، تیر پارک، مراکز خدماتی مجهز، آزمایشگاه، تجهیزات تخلیه و بارگیری، انبار و بسترهای اینترنتی و مخابراتی مناسب.

تهیه و تدوین: اکرم عابدی

منابع:

IMF, REVIEW OF THE ROLE OF TRADE IN THE WORK OF THE FUND, February ۲۰۱۵

گزارش نقش سازمان توسعه تجارت در بهبود فضای کسب و کار با رویکرد کاهش اسناد و زمان تجارت، شهریور ۹۳